

خط و نوشتار



ما زبان و گفتار را در خانه و پیش خود یاد می‌گیریم ولی **خط و نوشتار** را در مدرسه و نزد معلم می‌آموزیم. برای «گفتن» محتاج تمرین و پرسش و تکرار نیستیم اما برای «نوشتن» ناگزیریم زحمت بسیار بکشیم و از درس و کلاس و مشق و تمرین کمک بگیریم. راز این تفاوت در چیست؟ برای پی بردن به این راز باید به نکات زیر توجه کنیم.

زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد؛ حال آن که **خط و نوشتار** ذاتی و طبیعی انسان نیست و **ریشه در اجتماع و فرهنگ** او دارد. انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است؛ بنابراین، سابقه‌ی زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش بازمی‌گردد ولی سابقه‌ی خط به زحمت به ده هزار سال پیش می‌رسد.

خط و نوشتار، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی دارد و ساخته‌ی خود انسان است. در نتیجه، برای یادگیری آن ما به استعداد طبیعی خاصی مجهز نیستیم بلکه باید آن را، مثل همه‌ی چیزهای دیگری که ساخته‌ی انسان‌اند، به کمک هوش و حافظه و از طریق درس و مدرسه بیاموزیم اما در مورد زبان و گفتار وضع فرق می‌کند؛ زیرا استعداد یادگیری زبان و گفتار، طبیعی و خدادادی است و ما به هنگام یادگیری زبان، این استعداد پیش‌داده را در قالب زبان‌های مشخص می‌ریزیم؛ یعنی، آن را – بسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم – به شکل زبان فارسی یا عربی یا انگلیسی و مانند این‌ها درمی‌آوریم. این است که یادگیری زبان و گفتار به هوش و حافظه و درس و مدرسه نیازی ندارد و هر انسان سالمی از عهده‌ی آن برمی‌آید.

برخلاف آن‌چه تصور می‌شود، خط و نوشتار هیچ بخشی از بخش‌های اصلی زبان و گفتار را تشکیل نمی‌دهد. چرا که زبان و گفتار – همان‌طور که گفتیم – میلیون‌ها سال وجود داشته است؛ بی‌آن‌که اثری از خط و نوشتار در میان بوده باشد. خط و نوشتار را انسان بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است.

فعالیت

درباره‌ی علت پیدایش خط و نوشتار در کلاس گفت‌وگو کنید.

از این گذشته، خط و نوشتار به طور غیرمستقیم و به واسطه‌ی گفتار با زبان پیوند می‌خورد؛ به این معنی که ما نخست زبان را به صورت گفتار درمی‌آوریم. آن‌گاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می‌نویسیم. علت این که ما جملات را در حین نوشتن در ذهن خود تکرار می‌کنیم، بی‌گمان همین است. از نکته‌ی اخیر این نتیجه نیز به دست می‌آید که خط و نوشتار هم – درست مثل گفتار – در معرض اشتباه و تنوع و گوناگونی است.

راز اصلی نیاز ما به آموختن خط و نوشتار این است که زبان پس از آن که از طریق گفتار به شکل نوشتار در می‌آید، از صورت گفتاری خود فاصله می‌گیرد و به مرور زمان و

در طول قرون، شکلی متفاوت و مخصوص به خود پیدا می‌کند.

خودآزمایی

۱) چرا شکل گفتاری و نوشتاری کلمات زیر تفاوت دارد؟

خواهر، خوردن، خواستار، خوابیدن

۲) بررسی کنید که آیا در زبان‌های دیگر نیز بین شکل گفتاری و نوشتاری کلمات تفاوت وجود

دارد. چند نمونه بیان کنید.

۳) تفاوت‌های میان گفتار و نوشتار را با ذکر مثال بنویسید.

املا

«بایدها» و «نبایدها»ی املائی (۱)

الف) حرف‌ها

ملاحظات	مثال	باید و نبایدها	ردیف
نوع این خط «نسخ و چایی» است و برای املا توصیه نمی‌شود.	جز راست نباید گفت. هر راست نساید گفت.	نوع خط	۱
نوع این خط تحریری است و اختصاص به دست نوشت دارد.	جز راست نباید گفت، هر راست نساید گفت.		
نوع این خط، تحریری شکسته است و برای املا توصیه نمی‌شود.	جز راست نباید گفت، هر راست نسخه.		
برای صحیح نوشتن این قبیل کلمات پر نقطه باید دقت کرد.	پنج بیجان، شیخون، شمش، پوشش، بخشش	نقطه	۲
هنگام نوشتن این قبیل کلمه‌ها، مواظب باشیم که تعداد نقطه‌ها کم یا زیاد نشود.	نیرو تیر، چاه و جاه، پور و بور، تفت و نفت، یار و بار، قالد فال تقی و ققی		
گذاشتن نقطه یا نگذاشتن آن در این کلمات نیز به دقت نیاز دارد.	باز و بار، گز و کر، رحمت و رحمت، ست و شست		
اگر تعداد نقطه‌ها درست باشد اما آن‌ها رادر سر جای خود نگذاشته باشیم، مشکلاتی ایجاد خواهد شد.	بنی و نبی، بناز و نیاز، بنات و نبات		

ردیف	باید و نبایدها	مثال	ملاحظات
۳	دندان	درس و درس ، شادی و شادی ، درش و درش و درش ، گلشن و گلشن	س و ش سه دندانه دارند و هنگام نوشتن آن‌ها این مورد همه جا باید رعایت شود. مگر در جاهایی که می‌توانیم آن‌ها را به شکل کشیده بنویسیم.
		سخن (سخن) ، شجاعت (شجاعت) ، سر و سر (سر) ، درش (درش) ، اسم و اسم (اسم) ، روشن (روشن) ، سه و سه ، سهام (سهام) ، سیاه و سیاه ، سی (سی) ، کوشش ، کوشش ، کوشش ، (کوشش)	شکل کشیده‌ی «س» و «ش» مخصوص خط تحریری است و همه جا نمی‌توان آن را به کار برد.
		صبا و (صبا) ، صدوق (صدوق) ، انضباط (انضباط)	«ص» و «ض» همیشه باید یک دندانه داشته باشند.
۴	شکل حرف	خواب (خواب) ، ظهر (ظهر) تکبیل (تکبیل) ، گفت (گفت) ، پسر (پسر) ،	هر حرفی باید به شکل صحیح خود نوشته شود.
۵	شکل‌های حرف	علم ، معلم ، شمع ، شرع (علم) ، (معلم) ، (شمع) ، (شرع) هادی ، هادی ، همدی ، همدی ، روزه (روزه)	حرف‌هایی مثل : ب ، ج ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، ل ، م ، ن ، ه ، ی در اول ، وسط و پایان کلمه شکل‌های گوناگونی دارند و نمی‌توان یکی از این شکل‌ها را به جای دیگری به کار برد.
		یادآوری: املائی کلماتی مانند «خانه» و «سایه» به همین شکل است و نوشتن آنها به شکل «خانه» و «سایه» مخصوص خط نسخ و چاپ است.	

ملاحظات	مثال	باید و نبایدها	ردیف
نشانه‌ای که دو حرف «ک» و «گ» را از یک‌دیگر مشخص می‌کند، سرکیج (یا سرکش) آن‌هاست و رعایت آن کاملاً ضروری است.	گلاب (کلاب) ، عسکر (عسگر) جنگاور (جنگاور)	سرکیج	۶

چند نکته: اکنون با دقت در جدول قبل چند نکته را توضیح می‌دهیم:

۱) دست نوشته‌ی بعضی شبیه خط چایی کتاب است که به آن خط «نسخ» می‌گویند. دست نوشته‌ی عده‌ای دیگر به نستعلیق ریز نزدیک است که معمولاً به آن خط «تحریری» گفته می‌شود. بعضی هم با خط «تحریری شکسته» می‌نویسند. عده‌ای هم از یک خط مشخص و ثابت استفاده نمی‌کنند و آمیخته‌ای از خط‌های یاد شده را به کار می‌برند. باید توجه کنیم که هر یک از انواع این خط‌ها برای خود اصول و ضوابطی دارد که لازم است رعایت شود؛ مثلاً کسی که به خط شبه نسخ می‌نویسد، نباید از «س» و «ش» کشیده استفاده کند. به این مثال توجه کنید:

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌ها
معالی است .
(صحیح: اندیشه، است)

هم‌چنین، کسی که به خط تحریری می‌نویسد، نباید مثلاً، «ه» پایانی را به شکل «ه» بنویسد. به این مثال توجه کنید.

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌های معالی
است .

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌های معالی
است .

(صحیح: کتابخانه، اندیشه)

فعالیت

جمله‌ای را با انواع خط‌های نسخ، تحریری و شکسته روی تخته بنویسید.
سپس درباره‌ی ضوابط و باید و نبایدهای هر یک از این خط‌ها با هم کلاسی‌هایتان
گفت‌وگو کنید.

۲) الفبای خط فارسی در مقایسه با الفبای خط‌های مشهور دنیا، پرنقطه‌ترین است؛ بنابراین، در نوشتن املا باید حرف‌های یک نقطه‌ای، دو نقطه‌ای و سه نقطه‌ای را دقیقاً بشناسیم و نقطه‌ی هر حرف را درست در جای خاص آن قرار دهیم.

۳) حرف‌های «س» و «ش» سه دندانه‌ای و حرف‌های «ص» و «ض» یک دندانه‌ای هستند و رعایت تعداد دندانه‌ها کاملاً ضروری است. در خط تحریری «س» و «ش» به شکل کشیده و به صورت «س» و «ش» نیز نوشته می‌شوند. این کشیده‌نویسی بر سرعت نوشتن و زیبایی خط می‌افزاید.

۴) نوشتن هر یک از حرف‌های الفبا قاعده‌ای دارد؛ مثلاً هنگام نوشتن حرف «الف» تنها مداد از بالا به پایین حرکت می‌کند؛ در حالی که برای نوشتن الف پیوسته، حرکت مداد از پایین به بالاست. چنان‌که در این کلمه ملاحظه می‌شود: (دانا) (دانا). هم‌چنین است حرف ط ص ط (شکل غلط ۱).

۵) بیشتر حرف‌های الفبا چند شکلی هستند؛ مثلاً «غ» به چهار شکل «غ غغ غغ غغ» نوشته می‌شود و کاربرد هر یک از آن‌ها در جایگاه خاص خود در کلمه صحیح است.

۶) یکی از تصرفات فارسی‌زبانان در حروف الفبای عربی استقلال دادن به حرف «گ» است که با افزودن یک سرکج (سرکش) به حرف «ک» ساخته شده است. این تصرف را در حرف‌های «پ، چ، ژ» نیز می‌بینیم. هنگام نوشتن، بی‌توجهی به تعداد سرکج (سرکش)، در نوشته مشکل و ابهام ایجاد می‌کند.



آنچه در این درس خواندیم، نمونه‌هایی از «بایدها» و «نبایدها»ی املا فارسی است. بی‌شک رعایت دقیق این «ضابطه‌ها» ما در درست و تند نوشتن خط فارسی کمک

فعالیت

از متن درس‌های ۱ تا ۶ کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی (۲) املا بنویسید.

گروه کلمات برای املا شماره‌ی یک

تمایز و اختلاف - به ناچار و ضرورتاً - سهو و خطا - بی‌حوصلگی و اضطراب -
نمایش پانتومیم - لهجه و گویش - در معرض لغزش - انصاف و مروّت - بیکار و سلندر -
حقوق بین‌الملل - طبیعی و ذاتی - محاوره و گفت‌وگو - تعابیر و اصطلاحات - تأثیر
حیرت‌انگیز - موقعیت و اقلیم - جزئیات طرح - آمار و ارقام - خصوصیات اخلاقی - نظم
و انسجام - ترجیح و برتری - دریافت و تلقی - امثال و حکم - اعتلا و ارتقا - خاستگاه
اجتماعی - مجهز و آماده - تنوع و گوناگونی - طیّ قرون - اندیشه‌های متعالی - رعایت
ضابطه‌ها - مصاحبت و هم‌نشینی - صمیمی و مخلص - عدم تطابق - لزوماً و قطعاً - بهای
نازل - وسایل نقلیه - نادر و کم‌نظیر - حمله و شبیخون - نظم و انضباط -
أحد و صمد - مرهم دل مجروح - نور و ضیا - مقبرة الشعرا - سبحانه رحمت -
ابوالعجایب - توتیای چشم - لسان غیب - آرایه‌ی تلمیح - ایلیاد و اُدیسه‌ی هومر -
حماسه‌ی مهابهارات - باذل مشهدی - سلیح و جنگ‌افزار - خنده و مزیح - درخت
سندروس - سوفار و دهانه‌ی تیر - زه و احسنت - قابلیت ارتجاع - موقوف‌المعانی -
قصر امل - عمرو بن عبدود - اسب ابرش - امتناع و سرپیچی - غضنفر و شجاع - حماسه‌ی
مصنوع - منزّه از دغل - غزا و پیکار - مأمور و مطیع - صحنه‌ی تئاتر - نصب آگهی -
اصرار و التماس - هاج و واج - نصیب و بهره - مسئول برگزاری - ماشین قراضه - مات
و مبهوت - صدای تپانچه - محوطه‌ی آرام - ضعیف و بی‌رمق - رُقبای ورزشی - زمزمه‌ی

مظلومانه - رقابت تنگاتنگ - حمله و هجوم - حسرت بار و غم زده - تالؤ آب - ساطع و درخشان - فقر و غنا - عمرو بن لیث - هزیمت و شکست - قُوت و غذا - مسالک المحسنین - خصایل نیک - فضیلت‌های اخلاقی - نثر معاصر - ترفیع رتبه - لوازم عاریه - جوان دیلاق - صله‌ی ارحام - لهذا و بنابراین - استیصال و بیچارگی - مخیله‌ی شاعر - کج و معوج - دل‌بستگی غیر مترقبه - استدعای عاجزانه - ابا و امتناع - ازل و ابد - خیاط و درزی - بذله و لطیفه - مجلس آرای بلامعارض - حرف‌های قلبه - محظوظ و برخوردار - انیس و مألوف - مائده‌ی آسمانی - محظور و رودربایستی - شخص شخیص - توطئه‌ی دشمن - آلوی برغان - مضغ و جویدن - هضم و گوارش - بقولات و حُبوبات - بحبوحه‌ی مسابقه - زوال و فنا - وقاحت و بی‌شرمی - صندوقچه‌ی اسرار - ادا و اطوار - غَلَّیان درونی - خنده‌ی تصنعی - اداره‌ی امنیه - اسباب و اثاثیه - هیبت و سُکوه - خلع سِلّاح - عجز و لابه - رَجَز خوانی و خودستایی - کِشت صیفی - اسیر و غریب - تشییع جنازه - قدغن و ممنوع - معدّب و گرفتار - جرّ و بحث - حکم قصاص - عَلم صلیب مانند - شَعشعه و روشنی - وصل و لقا - مشقّت و سختی - مذلت و خواری.

* * *